

سر انجام نظام اجتماعی مترقی که در آن بهره کشی انسان از انسان راداهی نیست، جاگزین نظامهای فرتوت استثمار می خواهد شد این قانونیست عینی و مستقل از اراده انسان باوجود کوششهای مرتجعین در متوقف ساختن حرکت چرخ تاریخ، دیگر گونی جهشی دیربازود شعله می افروزد و به پیروزی می انجامد.

شعله ها و دمارها

ناشران دیشته های دموکراتیک نوین

شماره چهارم پنجشنبه ۵ ثور ۱۳۴۷ هـ - ۲۵ اپریل ۶۸

دکتر هادی محمودی

ورشکستگی راه رشد غیر

سرمایه داری درهند

تجر به بیست ساله هند چگونه بوده است ؟ ازجمله ۲۴۰ شرکت هندی که تحت کنترل انحصارات امپریا لیستی بیگانه قرار دارند، در ۱۵۰۰ تای آن سرمایه امپریالیستی مستقیماً شامل است. تااواخر سال ۱۹۶۴ ایالات متحده امریکا و بانک بین المللی تحت کنترل آن بموسسات انحصاری خصوصی هندی ۹۵ بار وام داده اند که مجموع این وام ها به ۲۶۵۷ میلیون روپیه (کلدار هندی) بالغ می شود. ازین مقدار ۲۵۴۵ میلیون روپیه یا ۹۶٪ آن به انحصارات بزرگ هندی و خارجی تعلق میگیرد که در رأس آنها انحصارات «تاتا» (برلا) (کیلا چند) و غیره جای دارند.

ازجانب دیگر رشد سکتور دولتی بهیچوجه مانع از رشد انحصارات هندی نشده، سهل است که انحصارات بتواند. گروه «تاتا» یعنی بزرگترین انحصار هندی، که در سال های نخستین از ایدی با سرمایه ۷۰۰۰ هفتصد، ۸۰۰ هشتصد میلیون روپیه کار میکرد، اکنون دارای سرمایه ای بیش از چهار هزار میلیون روپیه می باشد. گروه مذکور نفوذ وسیعی در ساحه فعالیت های مالی داشته، «بانک مرکزی هند، یکعه بانک های دیگر و مؤسسات بیمه، که مبالغ مالی تمام آنها با لغ به شش هزار تا هشت هزار میلیون روپیه می شود در تحت کنترل این گروه قرار دارد. گروه «برلا» یادومین گروه انحصاری بزرگ هندرا در نظر گیریم.

قدرت صنعتی و مالی این گروه در سال های ۶۰ - ۱۹۵۸ به یک هزار و پنجمصد میلیون روپیه بالغ می شد. در سال های اخیر مجموع سرمایه صنعتی و مالی حیطه کنترل آن با چهار هزار تا شش هزار میلیون روپیه افزایش یافته است سایر مؤسسه های انحصاری کوچکتر نیز با سرعت روز افزون در حال توسعه و رشد اقتصادی بوده و حتی گروه های نوین انحصاری در حال تشکیل و پیدایش اند.

جالب تر اینکه سکتور دولتی نه تنها از رشد انحصارات خصوصی هند جلو نگرفته، بلکه نقش ممدوقویت کننده آن را ایفا نموده است. مؤسسات مالی «بخش عامه» مانند «کور پوریشن مالی صناعت» و «باموسسات انحصاری باختردارند و

اگر از کارگری بپرسیم چند مزد میگیری؟ در پاسخ خواهد گفت: روزانه ۳۵۰ افغانی و یا ماهانه هزار افغانی و یا هفته ای دو صد افغانی. یعنی مزد مقدار پولیست که سر مایه دار برای مدت معین کار، به کار گر می پردازد. سر مایه دار ادعا میکند، من بآدمی مزد، کارگر را میخرم و بنابراین مانند هر معامله دیگری، در اینجا نیز براساس اراده آزاد و رضای جانبین معامله دوشینی صورت گرفته (کارگر با پول من) و هیچگونه بیعدالتی و استثمار نمی تواند در میان باشد! ولی آیا حقیقت امر نیز چنین است؟ سر مایه دار کارگر را نمی خرد، بلکه «نیروی کار» او را میخرد، زیرا اگر مزد قیمت کار کار گر باشد، در آنصورت چنین به نظر میرسد که کار دارای ارزش است. ولی ارزش هر شی را مقدار کار صرف شده بر آن شی تعیین میکند، یعنی کار خودش ارزش میباشند، و چیزی که خودش ارزش باشد، یعنی خودش ارزش تمام اشیای دیگر را بوجود آورد، چگونه میتواند دارای یک ارزش دیگر باشد؟

کارگر «نیروی کار» خود را به سرمایه دار میفروشد و سر مایه دار نیروی کار کارگر را برای مدت معین مثلاً یکروز یک هفته، و یا یک ماه میخرد. پس از خرید، سر مایه دار (نیروی کار) را مورد استفاده قرار میدهد، یعنی کارگر را وامیدارد برای مدت معین کار کند، (کار کردن) استفاده از نیروی کار است. اما نیروی کار چیست؟ «نیروی کار» توان جسمی و فکری یک انسان است، یا به سخن دیگر گوشت و خون تن کار گر است. بنابراین، مزد یعنی ارزش «نیروی کار» در حقیقت ارزش خود کار گر برای مدت معین میباشد. سرمایه دار کارگر را برای (مدت معین) میخرد یعنی مزد، قیمت کارگر برای مدت معین است.

در دوران بردگی، زمانی که جا معه بدو گروه برده داران و بردگان تقسیم میشد. برده خودش، تمامی وجودش در سراسر مدت زندگی از آن برده دار بود، برده دار صاحب تمام اختیار برده بود، برده مانند چارپایان نمیتوانست بوسیله صاحب خود مورد تبادل و خرید و فروش قرارگیرد. همانطوریکه شخصی نمیتوانست گاو قلبه ای را مورد استفاده و یا خرید و فروش قرار دهد، برده دار میتواند برده را مورد استفاده و یا خرید و فروش قرار دهد. برده دار به برده مزد نمی داد، بلکه برده خودش، همیشه تا هنگامیکه زنده می بود، از آن برده دار بود. بعداً در دوره ارباب رعیتی (فیودالی)

شعله که خاموش نمی شود

روز دوشنبه گذشته (۲۲-اپریل) مصادف با نود و هشتمین سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لینن رهبر و سازمانده بزرگ جنبش بین المللی کارگری بود. خلقهای رزمنده سراسر جهان هیچگاه سیمای درخشان و نبوغ آفریننده پر درخشش این پیشاهنگ کبیر را از یاد نخواهند برد. لینن جهان بینی پیشرو را در دوران امپریالیزم و انقلابهای پروتاریایی تکامل داد و برزرفای آن افزود و گنجینه دانش نوین را بارهنمود ها و آموزشهای پراراج خویش غنی ساخت. او در سراسر زندگی بارور خود دشمن آشنی ناپذیر سا زشکاری و هرگونه آیین شکنی دیگر بود. نبرد دلیرانه او با نمایندگان گرایش راست در بین الملل دوم برای همه رهسپاران راه خلق رهنمود درخشانی است.

لینن با پایه گذاری یک سازمان نوین، پیکار جو و آبدیده دشواریهای راکه بر سر راه رهایی و آزادی خلق میهنش قرار داشت، نابود ساخت و با این پیروزی شگرف و دوران ساز افق نوینی بروی خلقهای ستمکش دنیا گشود. دانش ژرف و خلاق، اراده شکست ناپذیر، روان پر شور و جوینده، ایمان عمیق به انقلاب، عشق سرشار به توده ها، چنین بود سیمای لینن. خاطرۀ تابناک لینن همواره روشنی بخش راه کسانی خواهد بود که علیه جنگ غیر عادلانه، پیدادگری طبقاتی، اسارت ملی و خوار شمردن پایگاه انسانی پیکار می کنند.

موسسه ای که در «بخش عامه» شامل اند ۷۰٪ تعداد کل شرکت های سهامی هند را می سازد، ولی سرمایه مالی آنها ۴۰٪ سرمایه مالی تمام مؤسسات هندی را احتوا می کند. تولیدات کلی سکتور عامه ۲۵ فیصد تولیدات مجموعی هندرا تشکیل میدهد. بهر حال این رشد «بخش عامه» بهیچ وجه موجب نگشته تا از گسترش نفوذ اقتصادی امپریالیزم در هند جلو گیری بعمل آید، برعکس موازی با رشد سکتور دولتی، نفوذ اقتصادی امپریالیزم در اقتصادیات هند گسترش وسیع تر یافته است. ازجمله ۱۰۰ گروه بزرگ انحصاری هند تقریباً ۶۰ تای آن، موافقت نامه های همکاری با مؤسسات انحصاری باختردارند و

دولت دموکراسی ملی

یا شکل سیاسی راه رشد غیر سرمایه

داری

را بر ضد امپریالیسم، مدافعین استعمار نوین، ملاکین، تاجران، دلالان، بروکرات و سایر عناصر مرتجع تشکیل بدهد و این جنبه متحد ملی فقط زمانی میتواند بوجود آید که اتحاد رنجبران، نیمه رنجبران و دهقانان تأمین شده باشد بناء سرپیچیدن و یا نفی نقش پیش آهنگی رنجبران بمعنی نفی و انکار جنبه متحد ملی می باشد.

این يك ضرورت تاریخی است که طبقات رنجبر باید چنین شیوه را جهت طرد کلی تمام شرایط ناگوار اجتماعی بمنظور نیل به پیروزی

قدم باشند و تنها وقتی میتوانند مبارزه پیروز مند در راه دموکراسی باشند که به مبارزه عمیق توده های دهقانان بپیوندند...

از اینجاست که اتحاد طبقه رنجبر و دهقان و نیمه رنجبران تحت پیش آهنگی طبقه رنجبر شرط اصلی و اساسی موفقیت جنبش های نجات بخش ملی می باشد.

باید دانست که در شرایط امروزی بین المللی رنجبران، نیمه رنجبران و دهقانان تنها طبقات محکوم در کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین نیستند. طبقه متوسط (آناجرملی و غیره) نیز درین کشور

طبقات محروم و ستمدیده که سالیان دراز در دل قرون و اعصار گذشته متحمل رنجهای بیشمار به وسیله استثمارگران و غارتگران گردیده بودند سرانجام در نیمه اول قرن بیست با استفاده از اساسات را ستین دبستان پیشرو بطور قابل ملاحظه خویش را از قید اسارت و بندگی نجات داده بصورت طبقات متشکل و دارای دولت های ویژه در عرصه مبارزات خروشان جهان که نبرد بهره کشان و خلقهای انقلابی می باشد عرصه وجود نموده و اکنون در صداند تا باز هم حلقه استثمار و استعماری دشمنان خویش (امپریالیسم، مدافعین استعمار نوین، ارتجاع) را که بر غارتگری ثروت های طبیعی و نیروهای انسانی شان متکی است در پرتو اندیشه شکست ناپذیر عصر زوال امپریالیسم تنگتر نموده و سرانجام پیروزی نهایی بکف آرند.

پیروزی های طبقات رنجبر و سایر محکومین از این جانشینی میرد که طبقات مذکور با سر مشق فرار دادن از های اساسی دبستان پیشرو صفوف خویش را مستحکمتر نموده هر نوع فرصیات مدافعین استعمار نوین را نه باعث در بند نهادن خلقهای ستمدیده میگردد، طرد و محکوم نموده و در دگرگونی های جهشی شرایط ناگوار اقتصادی نظام های پوسیده سهم خویش را در تاریخ جنبشهای آزادیخواهی و رهایی بخشی اجرا می نمایند.

ایا مهمترین ترها و اندیشه های را که این خلقها در طول مبارزات خود از آن استفاده کرده اند اعتبار خود را از دست داده تا ملل و مردمان تحت اسارت در جستجوی راه های تازه شده و از آنها برای نجات شان استفاده نمایند؟

پاسخگوی این سوال تیوری «دولت دگرگونی های جهشی» آموزش متری می باشد.

میزان واقعی بودن و استوار بودن هر جنبش ضد امپریالیستی، ضد ملاکی و ضد بروکراسی را فقط با این محک می توان ارزیابی کرد که رهبری در دست کدام طبقه است؟ طبقه رنجبر از آنجائیکه در کشورهای نیمه مستعمره و وابسته مورد ستم استثمار امپریالیسم، مدافعین استعمار نوین، تاجر دلال بروکرات، ملاکین و سایر طبقات بهره کش به صورت مشترک قرار دارد یگانه طبقه است که کاملاً واقعاً و تا آخر مبارز و رزمنده می باشد، لذا میتواند و باید پیش آهنگ جنبشهای آزادی خواهی ملی و دموکراتیک گردد.

مفهوم پیش آهنگی جنبشهای نجات بخش ملی مستلزم نیروی عمده و متحد، و دوست مطمئن است. مساله متفق در دگرگونی های جهشی اجتماعی اساسی ترین مساله را تشکیل میدهد.

یکی از متفکرین دبستان پیشرو میگوید: «در راه دموکراتیزم تنها رنجبران میتوانند مبارزه ثابت

ایل ایته دور

قره تاش

بو قرا نغو گیچه ده ...

بو قم لرنی قراقز غن گر بادی .

بیزنی کیسگریره تر

بیزدن کچ لیک پولاد کبی تقم لر...

فلک لرنی قد روب ،

خلق نی ایکی پوز لیک غنم لاری نی ،

مردم سناری دن ایدب .

کوپ چی لیک نی قضاوتین جو ریگه ،

گمان سیز آلوب بارده .

ای قوتلش یولدوزی ...!

سیزنی آیدن اولوغ یوزلارینگزگه ،

قزل قلم اوچی برله یازیگن .

قوی ده کی خلق آیتشی

(امان سیز صنفی اوردش)

سیز بیز لرنی کوزیمیز نی کوردی .

یشنب چقننگ هر یانگه

قربولوت لرنی بغری نی پرتوب ،

تینج لیک یا غمری نی مردم یا غدرینگ ...!

سویا غمری نی آق آلتون دیک سوایی دن ،

سوسیز قالگن لاله لرنی بوغزی نی ،

سو غر ماق غه همت بیلی نی با غلنگ

سیز بلینگ ای یولدوزلر ...!

بیز لرنی ضدیمیز گه ...

توزلگن تهدید لردن ،

دزه قور قوشمیز یوق .

بیز ساله میز غوغالر ،

اهریمن لر با شینگه .

بیز توزرمیز دریالر ،

دژخیم لرنی قانی دن .

نیچون ؟

که بیز بر لشکن محنت چی لر .

هابدراجات مختلف محکوم می باشند)

لذا بایستی از نیروی رزمندگانی

و پیشتازی آنان هم استفاده بعمل

آید .

بدینسان در چنین کشورها طبقه

رنجبر پس از برقراری اتحاد بانیمه

رنجبران و دهقانان میتواند با طبقه

متوسط و در شرایط مشخصی با

قشر فوقانی طبقه متوسط جنبه متحد

خویش تعقیب نمایند .

در سالهای اخیر پیروان مدافعین

استعمار نوین در کشورهای کم رشد

و نو به آزادی رسیده طبق هدایت و

رهنمائی اربابان خود دست به ایجاد

و طرح ریزی یک سلسله باصطلاح

شعارها و ترها زدند، یکی از عمده

ترین این ترها به اصطلاح راه رشد

غیر سرمایه داری است که شکل

انجینیر محمد عثمان

سیاسی آن دولت دموکراسی ملی می باشد .

ایا واقعاً گفته ها و یا با اصطلاح اختراعات مدافعین استعمار نوین و پیروان آن درست است و یا اینکه تکامل او ضاع باز هم در خشش اندیشه های پیشرو را بیش از پیش ثابت میکند؟

این چیز یست که مادر مورد تر با اصطلاح سکتور دولتی در مالک نیمه مستعمره و وابسته دیدیم و اکنون در مورد دولت به اصطلاح دموکراسی ملی مطالعه می کنیم .

عمال و یادی امپریالیسم و مدافعین استعمار نوین در کشورهای به اصطلاح کم رشد به پیروی از اصول منحرف شده اید یالوژی پیشرو می گویند: «حکومت دموکراسی ملی از نظر ماهیت طبقاتی و ملی خود بر جمیع قدرتهای ترقیخواه دموکراتیک و ملی جامعه یعنی کارگران، دهقانان، منورین متری، اهل حرفه، مالکان خورد و متوسط شهری و دهاتی به اتحاد سرمایه داران ملی (بحیث یک جنبه متحد ملی) متکی بوده و منافع اساسی خلقها را حر است و تأمین میکند در دموکراسی ملی عالیترین مقام قانونگذاری و مظهر اراده خلقهای شورشی است . هیأت حکومت در دموکراسی ملی از طرف شورشی ایجاد گردیده و از اعمال آن دقیقانه نظارت میکند

همچنان میگویند: «در جنبه متحد ملی که اساس طبقاتی دولت دموکراسی ملی را میسازد هر یک از طبقات دموکراتیک می تواند رهبری را عهده دار گردد ...»

بگذاریم از اینکه با شیوه های مبارزه که مدافعین استعمار نوین و عمال آن از آن پشتیبانی میکنند رسیدن به این دولت اختراعی خود شان هم ممکن نیست و نیز مرتجعین و طبقات حاکمه مرتجع برضا خاطر ساطور قصابی خود را بر زمین نمی گذارند و مبدل به بودا نمیشوند در پرتو اندیشه های متری اولاً چنین پرسشی بمیان می آید . در جنبه متحد ملی که بنیان طبقاتی دولت با اصطلاح دموکراسی ملی را تشکیل میدهد کدام یک از طبقات هر مونی (تفوق یا بعبارت ساده رهبری) را بدست دارد آیا رنجبران با اتحاد دهقانان و نیمه رنجبران یا طبقاتی که خصلت دو جانبه ستمگری و ستملشی دارند؟

در صورت اول دولت مذکور يك دولت دموکراسی ملی نیست و اما در صورت دوم که هر مونی بدست طبقات غیر رنجبر می باشد در آن صورت دولت مذکور يك دولت دموکراسی بورژوازی است .

از جانب دیگر در شرایط کنونی جامعه ما تاجر ملی که منافع او را امپریالیسم و مدافعین استعمار نوین به تاراج می برند با این دشمنان خارجی مخالف است یا موافق؟

اگر مخالف است پس چگونگی (درص ۳)

دولت دمو کراسی ملی

راه رشد سرمایه داری همبستگی ما را با امپریالیسم و مدافعین استعمار نوین بار می آورد ؟

واگر موافق است چگونه در جنبه متحد می با تعقیب راه رشد عین سرمایه داری نه منافع او را بدست صیغات متحد میدهد سپیم میبرد ؟ در شرایط دولت دمو کراسی ملی نمایندگان به در پارلمان از صیغات مختلف جنبه متحد ملی سرد می آیند بانصیب از نظر تعداد مساوی نیستند و هر مونی بدست یدنی از طبقات است . چون در دولت های دمو کراسی باید همیشه اراده اکثریت بر اقلیت بچربد بنعنا این پارلمان چه نوع حکومت را رهبری خواهد کرد و از اعمال آن نظارت خواهد نمود ؟ اگر در پارلمان اکثریت بدست رنجبران است درین صورت ضرورتی به دولت دمو کراسی ملی احساس نمی شود ، بگذاریم از اینک طبقات حاکمه ارتجاعی برای تحکیم منافع خود تنها پارلمان را در اختیار دارند بلکه سایر وسایل سر کوبی را به اضافه پارلمان بدست دارند . و اگر اکثریت بدست غیر رنجبران است در آن صورت طبقات حاکمه طبق منافع طبقاتی خود از آن دولت بهره برداری نموده باز هم امکانی برای وجود باصطلاح دمو کراسی ملی باقی نمی ماند .

آستان بوسان ارتجاع که به اراده خود سخن نمی گویند بلکه چون گدی کوکی به اراده صاحبان خود میرقصند ملتفت تناقض گوئی های خود نگردیده در یک جا ادعا می کنند که دمو کراسی مامحصول مبارزات دلیرانه خلقهای کشور ماست ولی در جای دیگر از خود می پرسند : «سوال جدی درین جاست که آیا حکومت های افغانستان می توانند نوعی از حکومت های دمو کراتیک محسوب شوند ، جواب منفی است » هر گاه دمو کراسی واقعاً محصول مبارزات دلیرانه خلقهای ماست پس چرا حکومت های افغانستان نمی توانند از نوع دمو کراتیک باشند ؟ و اگر اینگونه دمو کراسی برای فریب خلقهاست (که در واقع همینگونه است) چگونه خلقهای خود اراده فریب خود را کرده اند ؟

اما اگر شیوه مسالمت آمیز و راه رشد غیر سرمایه داری که شکل سیاسی آن (دولت به اصطلاح دمو کراسی ملی) فوقاً تشریح شد در شرایط دولت های بورژ وایی تجدید نظر به اندیشه های دبستان مترقی باشد ، تطبیق آن در شرایط حاکمیت ملاک برو کرات و تاجر برو کرات و عدم موجودیت ابتدائی ترین آزادی های متداول دمو کراتیک که اکنون مادر آن بسر می بریم و محدود ساختن اشکال مبارزه در شرایطی که نیرو های سیاه ارتجاعی قدرت

دولت

دمو کراسی ملی

مند هستند اگر دیوانه گی نباشد خیانت آفتابی است .

اصول تا کتیکی اساسی ایدیالوژی پیشرو عبارت از نیست که در همه جنبش های توده ای ضرورت استقلال و آزادی سیاسی رنجبران حفظ گردد

دخوان ترانه

س.م

دتن په رگ رگ کښی می
په جو ش راغلی ده بیا
قرار ید لی نشی
په غور خنکو را غلی
دا له همته ډکه نه سپیدلی شی دا
نه ورکیدلی شی دا نه چپ کیدلی شی دا

زه د عبرت بل مثال
زه یو طاقت په دنیا
زه په و یستلی توره
دا د ژوزا نو خو نه
له دی محکومه افغان
د قام دردو لره زه

ستر گی هم اوباسه خو، پندوی می نشی
پشی می هم ماتی کره خو، دروی می نشی
زه د عبرت بل مثال
زه یو طاقت په دنیا
زه د مزدور په خاطر
کله هیر پزی ز ما
یم د کار گر ملگری
ډیری خوږلی یمه

که ئی خوږلی یمه خو هضموی می نشی
زه یمه زهرونه جوړ بل څه کوی می نشی
زه د عبرت بل مثال
زه یو طاقت په دنیا
زه د سیندونو موج یم
خس او خاشاک به څه وی
زه په ټټر جنگیزم
له قهر و ډک یم ورته

زه د محکومه اولس د اړ ما نو قافله
د اړ تجاع د قانون د ور کیدو قافله
زه د عبرت بل مثال
زه یو طاقت په دنیا
دو که کیدی نشمه
مخوه کیدی نشمه

وین رنجبران و دشمنان وی مرز
دقیقی اصولی کشیده شده ، منافع
آتی جنبش با منافع آینده آن پیوند
داده شود . فراموش نمودن این اصل
معنی فرو رفتن در منجلاب تجدید
نظر ناشیانه در اصول جهان بینی
پیشرو می باشد .

بنعنا از سلسله مسایلی که فوقاً
ذکر شد چنین بر می آید که دولت
به اصطلاح دمو کراسی ملی یک
تجدید نظر تام و تمام در جهان بینی
علمی و پیشرو پیرامون مساله دولت
و دیگر گونی جنبشی سیاسی می باشد
زیرا این اصل اساسی اندیشه های
مترقی که : «نخستین گام در جنبشهای
عمیق طبقه رنجبر بالا بردن آنها به

مقام طبقه حاکمه است .» بسکلی
فراموش شده است .

بگذارد کاسه لیسان در گاه اربابان
زر هر چه از چرندیات خنده آور و
هجویات لایعنی در چنجه های مغز
خویش دارند چون شعبده بازان
بازاری در انتظار همه گان بریزند
تا علم دگر گونی عمیق رنجبران در
مبارزه با اینگونه پندار های پوچ

ورشگستگی...

«کورپوریشن بیه ز ندگی» برای
انحصارات خصوصی کریدت و وام
تهیه نموده و هم چنان ضمانت از
انحصارات خصوصی را برای دریافت
وام از انحصارات خارجی بعهده
میکیرند . بقرار تخمین یک چهارم
سرمایه گذاری خصوصی هند ، از راه
اینگونه کریدت ها تامین شده است
برخی دیگر از موسسات «بخشی عامه»
برای انحصارات خصوصی ، نیروی
(برق ، ذغال و غیره) ارزان و تسهیلات
حمل و نقل فراهم کرده و بر عکس
تولیدات انحصارات خصوصی را
بابهای بلند می خردند . بطور مثال
کنسر سیوم «ذالمیا» یک کروه
انحصاری خصوصی ، نیروی برق
از سکتور دولتی به بهای فی کلیوات
دوسوم یک آنه خریداری می کند ،
حال آنکه اگر خود کنسر سیوم مذکور
برق تولید میکرد بهای فی کلیوات
سه چهارم یک آنه تمام می شد . راه
آهن دولتی هند ، لکوموتیف های راکه
کنسر سیوم «تاتا» تولید می کند با
بهای بلند می خرد . اینگونه کمک های
سکتور دولتی علت مهم رشد
انحصارات خصوصی را تشکیل
مید هد . بقرار راپور کمیته پلان
گذاری در اپریل سال ۱۹۶۷ در
حالی که درآمد ملی از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۴
ده فیصد افزایش یافته ، درآمد
انحصارات «برلا» از راه فروش
محصولات آن یک افزایش ۴۸٫۲ فیصد
را نشان مید هد .

حقایق نشان میدهد ، که سکتور
دولتی نه تنها از رشد و توسعه نفوذ
امپریالیسم در اقتصاد هند جلونکرده ،
ونه اینکه رشد و گسترش دامنه
قدرت سرمایه داران بزرگ هند را
مانع نگشته ، بلکه خود نقش یاور و
مدد گار انحصارات خصوصی را
ایفا نموده است . در حقیقت امر
آن دسته های از صنایع که سرمایه
گذاری در آن ها سود کمتر و بهره
برداری طویل تر را در بر میگیرد ،
مانند مواصلات و مخابرات ، نیروی
(برق ، ذغال ، گاز) و غیره بعهده
دولت وا گذاشته شده تا از راه
مالیات (که از جیب مردم بیرون
می آید) و وام های کم رکن و اسارت
آور خارجی (که به اعتبار مردم اخذ
می شود) آماده گردد . و آن رشته های
که سود بیشتر و نزدیکتر میدهد به
سرمایه های بزرگ خصوصی سپرده
شده است ، یا بقول معروف «آن یکی
میکارد و این یکی می خورده» در دعوات
در حالیکه چند فارم مکانیزه در
(در ص ۴)

راه خویش را خوبتر و بیشتر در
صفوف رنجبران و متحدین آن باز
نموده و گنجینه دانش پیشرو را پیش
از پیش غنی نمایند و یقین کامل به
این تر فنانا پذیر داریم که آزادی
طبقه ستمکش بدون دگر گونی
جهشی بدست خود رنجبران غیر
ممکن است .

روش شرا فتمندانه در زمینه سیاست تظاهر وجود قدرت است
و بکار بردن فریب و نیرنگ در سیاست نشانه سستی است .

استثمار چیست؟

داران متمرکز میسازد. توده های کارگر را از هست و نیست ساقط نموده و برای کارگر چیزی باقی نمی ماند مگر آنکه نیروی کار خود جسم خود را بفروشد، تا آنکه بتواند زنده بماند. ولی استفاده از (نیروی کار) یعنی کار کردن، فعالیت زندگی کارگر است. او، این فعالیت زندگی خویش را به شخص دیگر (سرمایه دار) میفروشد تا آنکه وسایل ضروری زندگی خود را فراهم سازد. یعنی فعالیت زندگی وی برای او، وسیله ایست که زنده بودنش را تأمین میکند، او کار می کند برای آنکه زنده بماند. کار کردن جزء زندگی وی بشمار نمی آید، بلکه کار کردن در حقیقت بهایی است که وی برای زنده بودن، به سرمایه دار میپردازد. استفاده از نیروی کار یعنی کار کردن بخود کارگر تعلق دارد. وی آنرا به سرمایه دار فروخته، بنابراین محصول کار نیز بوی تعلق نداشته و از آن سرمایه دار است، چیزی که او برای خود تولید میکند، تکه ای نیست که می بافت، طلایی نیست که از دل کوه ها بیرون میکشد، قصری نیست که بنا می نماید، بلکه مزد است، تکه طلا و قصر برای وی به مقادیر معین وسایل ضروری زندگی مانند لباس لیلای می گرایه اتاق و نان و چای بدل میشود. کارگری که ده ساعت تکه می بافت، ده ساعت در کان طلا کار می کند، ده ساعت بنایی میکند، آیا این ده ساعت نساجی، معدن کنی، و بنایی برای خودش زندگی بشمار می آید؟ نه بر عکس زندگی برای او، درست پس از ختم همان ده ساعت شروع میشود. زندگی برای وی سر سفره غذا، در بستر و در سمار آغاز میشود.

ده ساعت کار یعنی ده ساعت معدن کنی، ده ساعت نساجی، و ده ساعت بنایی برای خود وی هیچ سودی در بر ندارد، جز آنکه وسیله ورلوی باشد تا او را به سفره غذای سمار و به بستر برساند. بدین ترتیب ثروت بدست او بوجود می آید ولی خودش صاحب آن نیست، او برای سرمایه داران ثروت تولید میکند و برای خود فقط زنده بودن!

قیمت نیروی کار چگونه تعیین میشود؟ اولین عامل تعیین مزد، مقدار عرضه و تقاضا در بازار خرید و فروش (نیروی کار) میباشد. رقابت و مبارزه میان صاحبان نیروی کار یعنی کارگران و صاحبان پول یعنی سرمایه داران میزان مزد را معین میسازد. مبارزه کارگران برای ازدیاد مزد نقش عمده و اساسی در تعیین مزد دارد. ولی چه چیزی حد نهایی نوسانات مزد را

دارد؟ (نیروی کار) مخارج تربیه کارگر و مصارف ضروریات او لیه زندگی وی را در بر میگیرد. بنا بر آن هر قدر مخارج تربیه کارگر کمتر باشد یعنی هر قدر کار کمتر جنبه تخصصی داشته باشد، بهمان اندازه ارزش (نیروی کار) یا مزد کارگر کمتر میباشد. هر قدر سطح زندگی در جامعه پایین باشد، مخارج ضروریات او لیه زندگی کمتر بوده و به همان اندازه ارزش (نیروی کار) یا مزد کارگر کمتر میباشد.

هر قدر مبارزه کارگران برای افزایش مزد کمتر و سستتر باشد به همان اندازه ارزش (نیروی کار) یا مزد کارگر کمتر میباشد در کشور ما تمام عوامل مذکور یعنی مخارج تربیه کارگر، سطح زندگی مردم و در نتیجه مخارج ضروریات او لیه زندگی کارگران بسیار فوق العاده نازل است، پس برای کارگران یگانه راه زنده ماندن مبارزه است، آنها درین مبارزه چیزی را از دست نخواهند داد، زیرا اصلاً چیزی ندارند که از دست بدهند مگر آن زنجیر هایی را که آنها را مجبور بفروختن خودشان میسازد، ولی در عوض جهانی را که آفریده دستان پر آبله شان است بکف خواهند آورد.

ولی آیا واقعاً سرمایه دار با دادن مزد در بدل (نیروی کار) کارگر، معامله مساویانه انجام داده است؟ آیا واقعاً چیزی که او بکارگر میدهد، با چیزی که از کارگر میگیرد مساوی است؟ ارزش و نیروی کار عبارت است از ارزش ضروریات او لیه زندگی کارگر اگر ضروریات اولیه زندگی یک کارگر برای یک روز با شش ساعت کار فراهم شود، شش ساعت کار ارزش (نیروی کار) میباشد. حال اگر شش ساعت کار را به بیست افغانی نشان دهیم، ارزش (نیروی کار) برای یک روز بیست افغانی است.

فرضاً سرمایه دار (نیروی کار) را به بیست افغانی یعنی قیمت حقیقی آن میخرد. تا اینجا معامله کاملاً مساویانه است، زیرا مانند هر شی دیگری، سرمایه دار قیمت (نیروی کار) را مساوی با ارزش حقیقی آن به کارگر داده است. ولی (نیروی کار) کارگر دارای خاصیت دو گانه است. از یک طرف خودش با شش ساعت کار (نیم روز کار) تولید میشود، بنابراین ارزش مبادلوی آن شش ساعت کار است، و از طرف دیگر میتواند دوازده ساعت (یک روز تمام) کار کند، یعنی برای سرمایه دار دوازده ساعت کار تولیدی جدید انجام دهد، بنابراین ارزش استعمالی آن دو چند ارزش مبادلوی اش میباشد. بناً ارزش خود (نیروی کار) و آن ارزش که (نیروی کار) در دوران عملیه تولید

اولین عامل تعیین مزد، مقدار عرضه و تقاضا در بازار خرید و فروش (نیروی کار) میباشد. رقابت و مبارزه میان صاحبان نیروی کار یعنی کارگران و صاحبان پول یعنی سرمایه داران میزان مزد را معین میسازد. مبارزه کارگران برای ازدیاد مزد نقش عمده و اساسی در تعیین مزد دارد. ولی چه چیزی حد نهایی نوسانات مزد را

ورشکستگی ..

سکتور دولتی ایجاد شده، و لی سیستم ملاکسی بطور کامل و همه جانبه محفوظ بوده و دهقانان هند در وضع فوق العاده ناگوار و مشقت باری بسر می برند. بهره کشی ظالمانه ملاکان، رباخواری دلالان، کاهش تولیدات را موجب شده و این بنوبه خود بیکاری و قحطی عظیمی را بوجود آورده و توده های دهقانان را به آستانه مرگ حقیقی کشانده است. در زمینه سیاسی حقایق گواه بر اینست که شدت سرکوبی مبارزات مردم هند روز بروز از طرف دولت هند بیشتر شده حکومت های غیر کانگریسی ایالات کیرالا، بنکال غربی و غیره یکی از پس دیگری ملغی اعلان و ادارات مذکور به حکومت مرکزی کانگریسی سپرده شده است. هزینه نظامی و تشدید تسلیحات (در حالیکه مردم از شدت قحطی در آستان مرگ قرار دارند) روز بروز افزایش می یابد.

بنابراین «رشد سکتور دولتی» بر د! (پایان)

اما آینده خلق کبیر هند تا این حد است. هم اکنون نخستین غرض های رشد بهاری در فضای سر زمین هند در پیچیده است. جرعه های کوچک مبارزات عادلانه خلق هند منتهی تبدیل به حریق بزرگی خواهند شد و تمام دشمنان خلق هند و دشمنان جهان بشری را از میان خواهد بنابران «رشد سکتور دولتی» برد!

از فولاد

ندای سازندگان تاریخ

باور کنید در طول زندگی غذایی که بتواند حداقل انرژی برای تولید کند نخورده ام، تا مغزم خوبتر کار کند و چند صفحه از هنر و ادبیات را در خدمت خلق تقدیم کرده بتوانم. آنچیزیکه اعتراف میکنم عبارت از درد ها، ناله ها و شب بیداری ها است. نمیدانم از کجا شروع کنم، شکست پشت شکست، در دبه تعقیب درد.

میخواهم از چهار چوکات کلبه خویش صحبت را شروع کنم که دیوار های آن فشرده از شوره و نم است، بلی این از آن من است. باز هم یاد آور میشوم از اینکه سخت تکلیف ده و طاقت فرسا است، مسئول و مفلوج شدم از این زندگی، زنده به گورها، از دست انسانها، تیکه زندگی دل انگیز را که سازنده نعمت های آن مارنجران و کارگران میباشیم برای ما جهنم ساختند و دست رنج ما را دراز های نامشروع خود بکار می بندند و از هیچگونه بیدادگری دریغ ندارند.

آخر هر انسان که زنده است میخواهد زندگی کند و از زیبا نی های زندگی لذت برد. اما این طور زندگی نه، زندگی حسابی.

ندای ما رنجبران برای بهبود زندگی تمام رنجبران و توده ها و هم برای سرکوب کردن طبقه ای که زندگی را برای ما مرگبار ساخته است، میباشند.

قدرت و استعداد ما رنجبران از آنها بیشتر است زیرا که آفریننده نعمت ها ما کارگران و رنجبران میباشیم. دنیا از ما و نا بودی از انسانهای بیدادگر است.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول داکتر د حیم (محمود دی) آدرس حصه اول جاده میوند حساب در پهنی تجارتنی بانك (۷۲۷۴)

حق الاشتراك

قیمت هر شماره دو افغانی هر پنجشنبه نشر میشود